فهرست

[اصول/ سیره معصوم 2](#_Toc124014804)

[پیشگفتار 2](#_Toc124014805)

[سیرة المعصوم 2](#_Toc124014806)

[مقدمه 2](#_Toc124014807)

[نکات مقدماتی 3](#_Toc124014808)

[نکته اول: عصمت 3](#_Toc124014809)

[نکته دوم: 4](#_Toc124014810)

[اختلاف مذاهب و فرق در بحث عصمت 4](#_Toc124014811)

[نکته اول 4](#_Toc124014812)

[نکته دوم 5](#_Toc124014813)

[احتمالات قلمرو عصمت 5](#_Toc124014814)

[نظریه اول: نظریه اقل 5](#_Toc124014815)

[نظریه دوم: دایره عصمت 5](#_Toc124014816)

[نظریه سوم: عصمت مطلقه 6](#_Toc124014817)

[نکته سوم 8](#_Toc124014818)

[نکته چهارم: عصمت عقلی و نقلی 8](#_Toc124014819)

[نظریه اول: 9](#_Toc124014820)

[نظریه دوم 9](#_Toc124014821)

[نظریه سوم 9](#_Toc124014822)

بسم الله الرحمن الرحیم

# اصول/ سیره معصوم

# پیشگفتار

پرونده باب سیره عقلا و متشرعه و سیره مستحدثه را می‌بندیم

سیره مستحدثه را قبلاً مفصل بحث کردیم و گرچه احتمال می‌دهم با توجه به اینکه مباحث جدیدی در این سیره مطرح شد در آن‌ها اگر مداقّه مجددی بکنیم شاید نکات دیگری پیدا بشود ولی دلیلی نیست و لذا پرونده آن را بستیم

درعین‌حال بحثی که در ادامه مباحث سیره می‌خواهیم طرح کنیم هنوز هم از سیره جدا نیست و آن این است که مبحث جدید سیرة المعصوم است

# سیرة المعصوم

سیره ناس و متشرعه و… را بحث کردیم گفتیم چند جلسه را هم اختصاص به سیرة المعصوم علیهم‌السلام بدهیم و دامنه دلالت سیره معصوم را فی‌الجمله مورد بحث قرار بدهیم لذا از این جلسه بحثی در باب سیره معصوم آغاز می‌کنیم

قبل از اینکه به نکات بیشتر اصولی و مرتبط با مباحث استنباط احکام از سیره معصوم بپردازیم چند مقدمه که یک مقداری جنبه مبانی بحث دارد و اشاره به مباحث کلامی دارد خواهیم داشت و بعد به اصل بحث می‌رسیم.

# مقدمه

سیره معصوم در قوانین و بعضی از کتب آمده است ولی همچنان ما قوانین را می‌بینیم که کتاب جاافتاده قوی است، یعنی خیلی از چیزها که در کلام شیخ و آخوند و متأخرین نیست در قوانین هست و یک مقدار از دست رفته است اگر ادامه پیدا می‌کرد خوب بود

هیمنه مرحوم شیخ و بعد آخوند و بعد بزرگانی که فحول اصول بودند طوری بود که پیشینیان را کنار زده است درحالی‌که یک جایی در هدایة المستشردین در قوانین مباحثی را شاهدیم که ارزش و اهمیت بالایی دارد، بعضی از مباحث آن‌ها در دنیای تازه و جدید ما ارزش بیش از آن دارد که در کلام آخوند و شیخ هست این حرف با کمی جسارت است ولی فی‌الجمله این طور است.

مواردی من مراجعه کردم دیدم این جور است و فحص من هم فحص تامی نیست.

اما به گمانم قابل دقت است نمی‌دانم در سیره معصوم هم کم و بیش در کلمات آخوند و شیخ آمده است ولی خیلی محدود و گذرا، تصورم این است که در قوانین بیشتر توجه شده است ولی نرسیدم مراجعه کنم ولی جای فحص هست.

در سیره معصوم مقدماتی و نکات مقدمی را عرض می‌کنیم و بعد به اصل مبحث در دایره حجیت و مدالیل سیره معصوم خواهیم پرداخت

# نکات مقدماتی

در مقدمه نکاتی مناسب است که توجه شود

## نکته اول: عصمت

اینکه اینجا سخن از سیره معصوم به میان می‌آوریم کلاً باب بحث از مباحث قبلی جداست در مباحث قبلی همه جا سیره حاکی از رأی معصوم می‌شد همان‌طور که در اجماع نظر شیعه این‌طور است که اجماع حاکی است از رأی معصوم است نه اینکه خود آن دلیلی در عرض رأی معصوم باشد سیره‌ها به طریق اولی این‌طور است تمام سیره‌هایی که تاکنون بحث از حجیت آن‌ها می‌کردیم همه ادله حجیت نهایت این بود که اینها نشان‌دهنده رأی معصوم هستند و لذا حجت هستند، تمام بحث این بود که این رفتار عقلا یا متشرعه چگونه می‌تواند آینه رأی و نظر معصوم باشد می‌تواند حاکی و دال و کاشف باشد و الا اعتبار استقلالی در آن‌ها نبود و لذا حجیت سیره مثل سایر حججی است که در اصول مطرح می‌شود حجیت تبعی و کاشفی است در طول رأی معصوم است

اما آنچه اینجا مطرح می‌کنیم طبعاً حجیت استقلالی سیره معصوم است سخن از این است که سیره معصوم خود مستقلاً اعتبار دارد.

این یک نکته که به دلیل اینکه پای عصمت در کار آمده است و معصوم ذاتاً و مستقلاً حجیت دارد سیره او هم از این باب محل بحث قرار می‌گیرد، یعنی از باب اینکه او حجت است این هم یکی از شئون اوست از این جهت حجیت پیدا می‌کند.

پس بحث از حجیت سیره معصوم و دایره حجیت سیره معصوم با بحث از حجیت و دایره حجیت سیره عقلاییه و متشرعه کاملاً متفاوت است با این بیان که آن‌ها یعنی سیَر متشرعه و عقلا کاشف و حاکی و دال هستند و اما سیره معصوم اگر ثابت بشود مستقلاً حجیت دارد.

حجیت طولی در آن مطرح نیست بله یک ملاحظه‌ای اینجا وجود دارد که نسبت آراء معصومین با قرآنچه نسبتی است که آن بحثی دارد ولی این غیر از این است که در سیره متشرعه و عقلاییه می‌گفتیم آن‌ها خود ارزشی ندارند مگر اینکه به آنجا بیانجامند ولی در معصوم اینها مستقلاً حجیت دارند.

اما آن بحث در جای خود محفوظ است که آیا ائمه هدی علیهم‌السلام فقط مفسر هستند؟ هر چه در کلام و سخن و سیره آن‌ها آمده است از قرآن متخذ است و تمام روایات بطون و لایه‌های پنهان قران کریم است یا اینکه فراتر از آن هم وجود دارد؟ این یک سؤال حساسی است که در جای خود باید پاسخ داده شود.

روایات متعدد دارد و طوایفی از روایات دارد که جمع آن‌ها باید دقت کرد در جای خود، اما حجیت سیره معصوم غیر از حجیت سیره عقلاییه است.

## نکته دوم:

این است که آن هسته مرکزی بحث در حجیت ذاتی و استقلالی سیره معصوم همان قصه عصمت معصوم است آن حد وسط اصلی و نکته محوری و کانونی عصمت معصوم است که آن را متفاوت از دیگران قرار می‌دهد این کانون بحث است که عصمت موجب می‌شود که اعتبار ویژه‌ای به قول و سخن و کلام و رفتار و عمل معصوم ببخشد.

اما این عصمت محل هست از لحاظ جزئیات و تفاصیل و آن‌ها در این مباحث مربوط به ما و آینده تأثیرگذار است

آنچه در باب عصمت می‌شود گزارشی ارائه کرد که در کلام ما و اهل سنت و مسلمانان وجود دارد به این ترتیب است که اصل عصمت فی‌الجمله مورد تقریباً اتفاق است، که عصمت فی‌الجمله معصوم و پیغمبر اکرام مورد اتفاق است تقریباً یک عصمت فی‌الجمله پیامبر امر مورد اتفاق همه فرق و مذاهب اسلامی است

دلیل فی‌الجمله هم غالباً گفته‌اند دلیل عقلی است، اگر فی‌الجمله در نقل از فرشته وحی و وحی مصون از کذب و خطا نباشد نمی‌شود به پیغمبر اعتماد کرد اگر دلیل عقلی داشته باشیم بر اینکه بعث انبیاء بر خداوند لازم است همان دلیل می‌گوید که فرشته وحی که جبرئیل باشد و پیغمبر باید مصون از کذب و خطا در دایره نقل این پیام خدا باشند. اگر کسی دلیل عقلی را پذیرفت همان می‌گوید عصمت فی‌الجمله فرشته وحی، جبرئیل امین سلام‌الله‌علیه و پیغمبر صلی‌الله علیه و آله و سلم را اثبات می‌کند.

اینکه دلیل عقلی تام است یا تام نیست جای خود.

## اختلاف مذاهب و فرق در بحث عصمت

این فی‌الجمله‌ای است که مورد بحث است اما در تفاصیل چند مطلب بسیار مهم محل اختلاف است

اینکه این مطالبی که محل اختلاف است را عرض می‌کنیم.

### نکته اول

یکی از نکات روشنی که محل اختلاف میان فرق و مذاهب اسلامی است این است که این عصمت انحصار به پیغمبر دارد یا خلفا و اوصیایی هم دارد که این را واجد هستند و در آن‌ها عصمت وجود دارد

این یک بحث کلامی است که ما بر خلاف عامه قائل هستیم که ائمه و اوصیای پیغمبر هم از مقام عصمت برخوردار هستند و این یک محل بحث جدی است و رأی شیعه هم اینجا طبعاً معلوم است

اینکه آن‌ها در صحابه چه می‌گویند، غالباً آن‌ها نمی‌گویند عصمت قائل به عدالت هستند اما یک جاهایی در صحابه به ضمیمه اجماع، گویا یک عصمتی هم درست می‌کنند اینها باید بحث شود

یک جاهایی اجماع صحابه را می‌گویند مصون از خطا است ولی خودشان در صحابه می‌گویند ما قائل به عدالت صحابه هستیم. اما عصمت را نمی‌گویند اگر آن را ضمیمه به مباحث اجماع آن‌ها بکنیم در مواردی کاملاً می‌شود نسبت داد که یک نوعی عصمت را می‌پذیرند یعنی یک نوع عصمتی در امتداد رسول‌خدا و بعد از رسول‌خدا در مواردی گویا پذیرفته‌اند عصمت به این معنا که این کلام و سخن و رفتار منطبق بر واقع است این فی‌الجمله دارد اما تفاوت اصلی شیعه با آن‌ها و امامیه با آن‌ها در این است که آن‌ها عصمت را محدود در پیغمبر می‌دانند ولی ما دایره وسیع‌تری می‌دانیم این یک امر محل اختلاف است که روشن است ما دومی را می‌پذیریم.

### نکته دوم

محل اختلاف در باب عصمت انبیاء دایره عصمت است، از لحاظ آنچه عصمت در آن محقق می‌شود نه از لحاظ کسانی که عصمت در آن‌ها پیدا می‌شود

مطلب اول از جهت اشخاصی بود که موصوف به عصمت می‌شوند اما بحث دوم در موضوعاتی است که عصمت در آن جاری می‌شود دایره موضوعات و قلمروهایی که عصمت در آن وجود دارد محل اختلاف است که اینجا به نحو مترتب انظاری وجود دارد یا احتمالاتی وجود دارد که مهم‌ترین آن‌ها را اینجا عرض می‌کنم.

## احتمالات قلمرو عصمت

### نظریه اول: نظریه اقل

یک نظریه یا احتمال حداقلی وجود دارد که کسی بگوید عصمت اختصاص دارد به مصونیت از کذب و خطا فقط در آنچه از خدا نقل می‌کند یعنی در نقل قرآن یا احادیث قدسی و آنچه از شرع نقل می‌کند می‌خواهد به عنوان شرع تبلیغ بکند در تبلیغ ما انزل الله و در تشریع احکام رسول‌خدا مصون است هم از دروغ و هم از خطا و سهو و آنچه نقل می‌کند عین آن است که از ناحیه خدا به او ابلاغ شده است

پس مصونیت او هم از کذب است و هم از خطا و سهو از هر دو جهت است ولی فقط در دایره نقل آنچه به شریعت ارتباط دارد. این یک رأی است که دایره عصمت را محدود می‌کند به آنچه نقل از شرع هست، در قرآن و سایر مسائلی که به دین نسبت داده می‌شود که این شامل نقل قرآن و روایاتی می‌شود که پیامبر خدا و احیاناً اوصیای او در امور شرعی مطالبی را ابلاغ کرده‌اند و افاده کرده‌اند اما در غیر آن ممکن است گفته شود ما چیز نداریم.

این یک نظریه خیلی اقلی است

### نظریه دوم: دایره عصمت

این است که دایره عصمت از این اوسع است و معصوم در همه اقوال و رفتارها از گناه مصون است گناه به معنای خاص، یعنی از عمد در کارهای دیگر هم مصون است، عمداً اشتباهی بکند در اموری که حتی مستقیم ربط به نقل شرع و ما انزل الله ندارد. آن هم نمی‌شود. منتهی در همین حد که گناه به معنای خاص نمی‌کند یعنی معصیت عمدی نمی‌کند و در این حد چه اموری که مربوط به نقل ما انزل الله هست و چه سایر قلمروهای زندگی فردی، اجتماعی، خانوادگی، او گناه نمی‌کند در سایر موارد هم گناه نمی‌کند اما ممکن است خطا بکند در تشخیص موضوع و مسائلی از این قبیل و مرتکب امری خلاف واقع بشود ولی گناه نمی‌کند به معنای تعمد در اشتباه و معصیت.

سؤال: عبارت اخری عدالت؟

پاسخ: شبیه عدالت است با یک پشتوانه‌ای قوی‌تر از عدالت است ولی شبیه عدالت است، عادل هم این‌طور است کسی است که گناه نمی‌کند، و الا ممکن است صدتا کار او خلاف نفس الامر واقع و تکالیف باشد، خلاف نفس الامر تکالیف ممکن است عمل کند در غیر ما انزل الله اما گناه به معنایی که تولید فسق کند انجام نمی‌دهد.

پس نظر دوم می‌گوید که در نقل ما انزل الله آن مصونیت از خطاست، اشتباه نمی‌کند چه به نحو معصیت عمدی و چه خطایی اما در سایر امور مربوط به زندگی فردی، و حتی اجتماعی آن گناه نمی‌کند اما ممکن است اقدام او بر اساس یک خطا و سهوی منطبق بر واقع نباشد

این همان سهو النبی است که مرحوم صدوق نوشته‌اند و حتی در بین ما هم کسانی بوده‌اند که می‌گویند در غیر نقل ما انزل الله و حکایت ما انزل الله ممکن است خطا و سهو داشته باشد ولی عمد طبعاً ندارد.

این نظر دوم است که اینجا وجود دارد که می‌گوید در یک جا مصونیت مطلقه است یک جا مصونیت نسبی از عمد و معصیت است ولی خطا ممکن است باشد.

سؤال: در امور شخصی؟

پاسخ: در شخصی و حتی در اجتماعی، فرمانده جنگ است آنجا هم ممکن است خطای موضوعی کرده باشد که منطبق بر تکلیفش نباشد اما عصیان نمی‌کند که شبیه عدالت است.

این نظر دوم است که در این نظر هم یک طیفی می‌شود که تفاوت‌هایی در جزئیات می‌شود گذاشت.

سؤال: آیا منظور مرحوم صدوق از سهو النبی شامل جهل هم می‌شود؟

پاسخ: من ایشان را یادم نیست اما اینکه می‌گویم در این نظر طیف هم دارد علت این ریزه‌کاری‌هاست که ممکن است انظار متفاوت باشد مثلاً ممکن است کسی بگوید جهل هم ممکن است برای او نسبت به موضوعات.

سؤال: روایاتی که آنجا هست این است که می‌گوید خدا کاری کرد که پیامبر از نماز خواب بماند، خواب بماند جهل نیست…

پاسخ: باید ببینیم، یعنی طیفی دارد جهل و نسیان و سهو و امثال اینها باید دیده بشود و تازه موضوعات آن هم طیف دارد و لذا این یک نظریه کلی دوم است که در تفاصیل آن ممکن است چندین احتمال و نظر پیدا بشود من کلیات را می‌گویم.

سؤال: نظر اول در شیعه قائل دارد؟

پاسخ: من سراغ ندارم، حداقل مشاهیر متکلم شیعه که مفید و صدوق و علامه و… باشند نیست.

### نظریه سوم: عصمت مطلقه

این است که یک عصمت مطلقه‌ای است عصمت مطلقه از دو جهت هم از جهت عمد و خطا، می‌گوید این مصون است و هم از جهت موضوعات مربوط به او چه موضوعات مربوط به حکایت از شرع و نقل شرع باشد و چه در سایر رفتارها و اعمال و اقوال او باشد

او هر چه می‌گوید درست است در آن نه جهل است و نه نسیان است و نه سهو است و نه معصیت است هر چه انجام می‌دهد باز همین‌طور است هم احکام را می‌گیرد هم موضوعات را می‌گیرد هم نفی عمد و معصیت می‌کند و هم نفی سهو و نسیان و جهل در موضوعات می‌کند و کاری که او می‌کند منطبق بر تکلیف نفس الامری اوست. منطبق بر واقع نفس الامری است حالا واقع نفس الامری اباحه است، یا رجحان است یا الزام است؟ هر چه هست همان است، کار او با واقع منطبق است.

این ممکن است فی‌الجمله کم و زیادی‌هایی داشته باشد اما نظریه بسیار برجسته‌ای هست و شاید مطابق عقاید عمده شیعه همین سوم بیشتر اشتهار داشته باشد و احتمال بسیار قوی همین درست است

این سه نظر است که اینجا وجود دارد و نظر دوم و سوم در بحث ما طبعاً تأثیر دارد. امام در رفتار تأثیر مستقیم دارد اگر کسی نظر اول را بگوید که آن وقت در رفتارهای معصوم نمی‌تواند یک دلالتی وجود داشته باشد چون عصمت فقط در حکایت از آیات وحی و نقل ما انزل الله است اما در رفتارها ممکن است اشتباه کرده باشد سهو و نسیانی عارض شده باشد طبعاً سیره اینجا حجیت پیدا نمی‌کند.

در رأی دوم و نظریه دوم که دایره عصمت وسیع‌تر می‌شود ولی خطا و سهو را نفی نمی‌کند، لااقل خطا و سهو را نفی نمی‌کند سهو و نسیان را نفی نمی‌کند ولو جهل نفی شود باز نمی‌شود به سیره‌های عملی آن‌جور اعتماد کرد.

سؤال: ولی می‌شود اصالة المطابقه جاری بشود

پاسخ: بله مگر اینکه درجایی اگر شکی دارد ببینیم اصالة المطابقه است یا اینکه جاهایی قرائن خاصه‌ای وجود دارد که اینجا نسیان و خطایی نیست گاهی خود تصریح می‌کند یا قرائن واضح است یا اینکه قصد عقلایی ممکن است باشد ولی به آن قرصی نیست که بگوییم همه رفتارها حکایت می‌کند یک شاهد و دلیل مضاعفی می‌خواهیم.

یا ممکن است بگوییم اصالة المطابقه داریم یا نه، لااقل قرائن و شواهد خاصه‌ای لازم است.

این نظر دوم است اما اگر نظریه سوم باشد دیگر رفتارهای معصوم کاملاً معنی‌دار می‌شود و کاملاً اعتبار شرعی پیدا می‌کند برای اینکه طبق نظریه سوم می‌گوییم معصوم در تمام رفتارها و حرکات و سکناتش مصون است هم از گناه و معصیت عمدی و هم مصون از خطا و اشتباه در نفس الامر است و لذا در همه چیز منطبق بر آن تکلیف و وظیفه است

البته در نظر سوم که گفتم یک طیفٌ ما وجود دارد یکی خواب معصوم است مثلاً معصوم در خواب پایش بخورد و ظرف کسی بشکند، آیا در آن حد هم عصمت است؟

آن طیفی که در نظریه سوم است به خاطر این جور چیزهاست. احوال خواب و امثال اینها یا طیف می‌گوییم طُرُف یک مرضی است که او را بی‌هوش می‌کند و غافل می‌کند حالت‌های استثنایی.

اینها چیزهایی است که در نظریه سوم بگوییم محل اختلافٌ مایی هست ولی روی این نظریه این است علی‌الاصول مصون از عمد و خطا و سهو در احکام و موضوعات است.

احوال خواب و امراض ممکن است پیدا بشود یک بحث دیگر است که آن شخص لعین گفت که حالات آخر انّ رجلَ لیهجر مثلاً او مثلاً این‌جور اعتقادی داشته است، -اعتقاد نداشته است روی بازیگری‌اش بوده است -یعنی به مرضی رسیده است که نمی‌شود به او اعتماد کرد معاذ الله

آن یک بحث دیگری است ولی در حال عادی و طبیعی معصوم مصونیت مطلقه از همه احتمالات خطا دارد و مصونیت در همه قلمروها و موضوعات دارد.

این نظر سوم است که پای سیره را تقویت می‌کند اما در نظر اول سیره رفتاری معصوم اعتباری نمی‌شود گفت علی‌الاصول دارد و در نظریه دوم به نحو قانون قطعی نمی‌شود گفت اعتبار دارد مگر قرائنی داشته باشیم یا یک اصل عقلایی وجود داشته باشد.

سؤال: به ذهن می‌رسد که عصمت چهارده معصوم، بالاتر بودنش نسبت به عصمت انبیاء، دلیل نقلی می‌خواهد چون دلیل عقلی بخواهد آن‌ها ترک اولی داشتند بحث موسی و خضر هست می‌خواهم بگویم بحث عقلی باشد آنجاها گیر می‌کنیم.

پاسخ: اینها را خواهیم گفت

این دو بحث است بنابراین دو بحث اینجا مطرح شد بحث اول تفاوت عصمت سیره عقلا با اینجا که مقدماتی بود

بحث مقدماتی دوم این بود که از یک منظر خیلی کلان سه نظریه عام در باب عصمت وجود دارد گرچه در نظریه دوم و سوم ریزه‌کاری‌هایی در آن‌ها مطرح است که اگر آن‌ها را تفکیک کنیم خیلی احتمالات گسترده می‌شود

این هم مطلب دوم و بر اساس این گفتیم که اعتبار سیره رفتاری معصوم بنا بر نظر اول اصلاً مطرح نیست و بنا بر نظر سوم کاملاً معنا دارد و بنا بر نظر دوم بینابین است که با وجوه و چیزهایی می‌شود آن را فی‌الجمله درست کرد.

این مطلب دوم

## نکته سوم

این است که عصمت ملائکه، انبیاء پیامبر خدا و ائمه اینها چند موضوع است که باید همه مورد مداقه قرار بگیرد و ممکن است در اینها قائل به مراتب بشویم.

این یک امری است که باید مورد توجه باشد چون عصمت ملائکه و مخصوصاً جبرئیل که واسطه در وحی است امر بسیار مهمی است

عصمت انبیاء هم داریم و در انبیاء اولی العزم و غیر اولی العزم قابل تفصیل است و اوصیای آن‌ها همین‌طور و در پیغمبر و ائمه هم همین‌طور

اینها تفاوت اینها هم قابل بحث و بررسی است و در مباحث کلامی باید جدا محل بحث قرار داد و ممکن است کسی قائل به مراتب به تشکیک در این مراتب عصمت بشود این یک بحث است که ایشان اشاره به این کرده‌اند و حتماً یک تشکیکی دارد ولی آیا یک چیز متیقن ثابت مشترک بین اینها وجود دارد چیست؟ جای بحث دارد.

این بحث سوم است که خیلی به آن نمی‌پردازیم.

## نکته چهارم: عصمت عقلی و نقلی

بحث چهارم این است که دلیل عصمت عقلی است یا نقلی

اینجا حداقل از منظر کلی سه نظریه داد.

### نظریه اول:

این که کسی بگوید دلیل عصمت در همه این اقسام عقلی است چه عصمت انبیاء چه ملائکه چه پیامبر و ائمه هدی و چه در احکام و یا غیر احکام چه معصیت عمدی و چه خطا و سهو بگوییم یک دلیل عقلی داریم که همه اینها را اثبات می‌کند

### نظریه دوم

که به شکل احتمال می‌شود مطرح کرد این است که بگوید همه اینها با شیوه‌های نقلی و غیر عقلی اثبات می‌شود

### نظریه سوم

این است تفصیل بدهیم یک جاهایی دلیل عقلی داریم و یک جاهایی نقلی است

آن که دم دستی است و دلپسندتر است و آقای مصباح هم همین را می‌گفت و بزرگانی همین را می‌گویند شاگردان ایشان و دیگران هم میگویند این است که اینها تفاوت دارد مثلاً عصمت انبیاء یا پیامبر و ائمه در آنچه به شارع و خدا نسبت می‌دهند آن بر اساس قانون لطف و قواعد عقلی یک امر عقلی است

اما در دایره‌های دوم و سوم که بحث می‌کردیم ممکن است بگوییم عصمت نقلی یا شبه نقلی است این جور که به ذهنم می‌آید آقای مصباح برای عصمت در غیر آنچه حکایت از شرع می‌کند حتی یکی دو دلیل هم می‌آورد، ولی ایشان هم دلپسندشان نیست به گمان ایشان می‌گوید همه اینها نقلی است و عقلی نیست.

گرچه اشعارات عقلی در بعضی وجود دارد.

این سه نظریه‌ای است که در کیفیت عصمت است از لحاظ اینکه دلیل آن عقلی است یا نقلی است و همان‌طور که در اصل اثبات نبوت و امامت هم این بحث وجود دارد.

ممکن است کسی بگوید عقلی است که خیلی از متکلمین ما می‌گویند عقلی است ممکن است کسی احتمال نقلی بودن بدهد حتی در خود قرآن و بعد هم نبوت و امامت و معاد و امثال اینها.

سؤال: منتهی به عقل پیش می‌آید

پاسخ: بله دلیل باید دلالتش تمام بشود یعنی با اعجاز قرآن را می‌پذیرد از طریق آن پیغمبر و نبوت را می‌پذیرد این احتمالی است که ما داده‌ایم ولی کمتر کسی می‌گوید ممکن است کسی همه آن استدلالات عقلی را خدشه‌ای بکند و راه، همین راه اعجاز بشود و از طریق اعجاز نبوت و معاد و امامت و امثال اینها. این هم رویکردی است

سؤال: دلیل نقلی همه‌اش مسبوق به دلیل عقلی است دلیلی عقلی که برای عصمت مطرح کرده‌اند در تمام مراتبش، همه که خواص نبودند و نمی‌توانستند میز قائل بشوند بین آن مراتب و شئون یک معصوم که این زندگی فردی و اجتماعی است و خطا و اشتباه را قابل خدشه بکند غالباً عوام بودند تسری می‌دادند به…

پاسخ: بله این را آقای مصباح دارند می‌گوید از نظر تربیتی و هدایت‌گری نمی‌شود گفت اینجا مصون است و اینجا مصون نیست، بعد خود ایشان این را نمی‌پذیرند به عنوان یک دلیل قاطع هم نمی‌شود پذیرفت.

این هم در اینکه اصل این قصه عصمت این‌جور است یک گرایشی هم ممکن است وجود داشته باشد که بگوییم ما غیر از خدا آنجا که استدلالات عقلی وجود دارد بقیه همه باید برگردد به یک دخالتی از نقل که پایه‌اش اعجاز است شواهد و چیزی است که می‌گوید من به این کتاب اعتماد دارم یا به پیغمبر آن هم یک دیدگاهی است و شاید هم دیدگاه درست بینابین باشد یعنی ما شواهد عقلی داریم ولی شواهد هستند از این طرف هم شواهد نقلی داریم و جمع این‌ها شخص را به اطمینان می‌رساند.

ما هم تجمیع الشواهدی هستیم.

و صلی‌الله علی محمد و آل محمد